

اگر ما شویم

در اهمیت کار گروهی



زهرا انصاری
آموزگار ابتدایی

در سال‌های اول آموزگاری و زیستن در دنیای کودکانی دانش‌آموزانم، موضوعی توجهم را جلب کرد: «رقابت فردی» و «مقایسه‌ی خود با دیگران». یکی از چالش‌های میان دانش‌آموزانم بود. به نظرم رسید ادامه‌ی این مسیر، خودبینی و منیت را در کودکان پایه‌گذاری می‌کند؛ حال آنکه دوی بسیاری از دردهای امروز ما، تلاش جمعی و کوشش برای نفع عمومی است. تصمیم گرفتم کاری کنم که دانش‌آموزانم کار گروهی شیرین و جذابی را تجربه کنند. به این منظور، با هماهنگی مدیر مدرسه، در کلاس فراروان شرکت در کارگاه «کودک خبرنگار» را دادم. این عنوان برای دانش‌آموزانم جذاب بود و از آن استقبال کردند. در ساعت‌های آزاد، این کارگاه برگزار و مفاهیمی ابتدایی از خبر، گزارش و مصاحبه آموزش داده شد. در ادامه، از دانش‌آموزان خواسته شد به گروه‌های پنج‌نفری تقسیم شوند و هر گروه یک سرگروه برای خود انتخاب کند. تمام فرایند گروه‌بندی و انتخاب سرگروه به‌عهده‌ی دانش‌آموزان بود. سپس هر گروه باید با همکاری هم و با توجه به آنچه آموخته بودند، یک روزنامه‌دیواری تهیه می‌کردند. به دانش‌آموزان گفته شد کار شما برنده ندارد و کار تمام گروه‌ها در دیوار سالن نصب خواهد شد تا همه‌ی دانش‌آموزان از مطالب و خلاقیت شما استفاده کنند؛ پس بکوشید کار همگی عالی باشد. گروه‌ها در کنار هم و در یک محیط، روزنامه‌دیواری‌ها را آماده می‌کردند و من هم در کنارشان بودم. در این کار شاهد بودم بچه‌ها چگونه کارها را تقسیم و مدیریت می‌کردند و حتی اعضای هر گروه به اعضای گروه‌های دیگر کمک فکری می‌دادند تا کار همه‌ی گروه‌ها بهترین باشد. در نهایت، وقتی روزنامه‌های دیواری آماده و نصب شدند، با مجموعه‌ای از خبرها، مصاحبه‌ها، گزارش‌ها

و عکس‌هایی که همگی کار دانش‌آموزان بودند، یک شماره نشریه‌ی کودکانه متولد شد و این تجربه‌ای شیرین از کار گروهی برای دانش‌آموزانم بود. حالا آن دانش‌آموزان در آستانه‌ی کنکور هستند، ولی هنوز هم تعدادی از آن‌ها در تماس‌هایی که با من دارند، از آن کار دل‌نشین گروهی به نیکی یاد می‌کنند. جالب‌تر اینکه تعدادی از آن‌ها که استعداد و علاقه‌مندی خوبی برای نوشتن از خود نشان دادند، از همان موقع تاکنون توانسته‌اند با هدایت معلمان خود، مطالب و آثارشان را در نشریه‌های محلی استان به چاپ برسانند! در واقع، این تجربه هم تمرینی برای یک کار جمعی لذت‌بخش و مفید بود و هم زمینه‌ای برای استعدادیابی و هدایت استعدادها.

به نفع جمعی

با وجود چنین تجربه‌هایی که کودک را با کار جمعی آشنا و از حصار «من» خارج می‌کند، گاهی با چالش‌هایی از سوی اولیا نیز مواجه می‌شویم. غالباً اولیای دانش‌آموزان گله دارند که فرزند ما در فلان درس ضعیف است، چرا او را در کارهای جانبی مثل انجام کارهای هنری و فرهنگی با عنوان کار گروهی درگیر می‌کنید؟ برای ما درس فرزندمان مهم‌تر از هر چیزی است. در چنین مواقعی، معلم باید توانایی تبیین ارزش کار گروهی و تربیت جمعی کودکان برای اولیا را داشته باشد. در دوره‌ی ابتدایی، اولویت با پرورش کودکان و آموزش مهارت‌های زندگی است. این مهم در قالب کارهای گروهی به‌خوبی و بسیار لذت‌بخش انجام می‌شود. آموزش مباحث درسی در اولویت بعدی قرار دارد که به اذعان معلمان باتجربه، آن هم در قالب فعالیت‌های گروهی، خروجی مناسب‌تری دارد. در فعالیت‌های جمعی، کودک می‌آموزد چگونه با دیگران تعامل داشته باشد، چگونه نظراتش را برای دیگران ارائه کند و به نظر دیگران اهمیت و احترام قائل باشد. در این فرایند، آنچه را خود نمی‌دانند، از هم‌گروهی‌هایش می‌آموزد و بر دانش و تجربه‌اش افزوده می‌شود. از حصار فکر به «من و نفع من» بیرون می‌آید و به «نفع جمعی» می‌اندیشد. اعتماد به نفسش بالا می‌رود و اظهار نظر در جمع را می‌آموزد. به توانایی‌هایش شناخت پیدا می‌کند و مسیر خود را می‌یابد و ...

اما امروز در این‌باره دو دغدغه وجود دارد؛



یکی برای روزهای کرونایی و آموزش مجازی، و دیگری برای روزهای پس از کرونا و آموزش حضوری مجدد.

اینکه معلمان چگونه در آموزش مجازی دانش‌آموزان خود را به کار گروهی هدایت کنند و از آن نتیجه بگیرند، یکی از موضوعات قابل تأمل است. تلاش و تجربه‌ی معلمان که این موضوع برایشان مهم است، طی یک سال گذشته نشان داد، در آموزش غیرحضوری هم می‌توان دانش‌آموزان را به فعالیت‌های گروهی هدایت و تشویق کرد. کلاس‌های برخط و نیز برخی از فعالیت‌های غیربرخط، بستری مناسبی در این باره دارند.

تربیت انسان متعالی

اما شاید با فروکش کردن جولان کرونا،



آزاد پای سند برنامه‌ی درسی ملی

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در هدف پنجم از هدف‌های کلان بر این موضوع تأکید کرده است: «افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی، به ویژه خانواده، در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی‌عمومی.»

در سند برنامه‌ی درسی ملی، در حوزه‌ی تربیت و یادگیری آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده، در بخش جهت‌گیری‌های کلی در سازمان‌دهی محتوا و آموزش حوزه چنین آمده است: «ضروری است آموزش از متن زندگی و در متن زندگی رخ دهد. تدارک فرصت‌هایی تربیتی که در آن دانش‌آموزان بتوانند به کسب تجربه در موقعیت‌های واقعی زندگی (به صورت فردی و گروهی) دست یابند، جهت‌گیری اصلی در آموزش مهارت‌هاست.»

از برنامه‌ها و اهداف معلم فرزند خود مطلع باشند، می‌توانند در مسیر پرورش و آموزش، همراه خوبی برای فرزندشان و معلم او باشند. امروز هم که آموزش مجازی باعث شده است تعامل معلمان و اولیا بیش از گذشته باشد، این خود زمینه‌ی هم‌پاری بیش‌ازپیش آنان را در آموزش حضوری و نیمه‌حضوری فراهم می‌کند. شایسته است برای تبیین اهمیت فعالیت‌های گروهی در مدرسه و خانه و در میان دوستان و هم‌کلاسی‌ها و اعضای خانواده، برای اولیای دانش‌آموزان نیز کارگاه‌هایی آموزشی دایر شوند. نباید فراموش کنیم که امروز غلبه بر بیماری کرونا و شکستن پر و بال کرونا نیز تلاشی جمعی می‌طلبد.

آموزش نیمه‌حضوری یا حضوری از سر گرفته شود. قطعاً در این صورت نیز نباید تلاش برای جبران کمبودهای آموزشی باعث شود جنبه‌های پرورشی به فراموشی سپرده شوند. به این منظور، در وهله‌ی اول، خود معلمان باید بر این باور باشند که حتی در شرایط سخت و همراه با مضمیقه نیز پرورش بر آموزش درسی اولویت دارد. و در وهله‌ی بعد، توانمندسازی بیش‌ازپیش معلمان و در صورت نیاز، آموزش آنان برای مدیریت پرورش و آموزش دانش‌آموزان و نیز مجاب کردن اولیا باید در دستور کار سازمان آموزش و پرورش باشد؛ چراکه همیشه هدف اول آموزش و پرورش، تربیت انسان‌های متعالی است. تجربه نشان می‌دهد، وقتی اولیا به‌خوبی